

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Social

اجتماعی

دوکتور محمد اکبر یوسفی

۲۲ جون ۲۰۱۲

مشروعیت و قانونیت در حاکمیت اجتماعی

- «مکس ویبر»!

«مکسیمیلیان کارل ایمیل ویبر» (Maximilian Carl Emil Weber)، متولد ۲۱ «اپریل» ۱۸۶۴ میلادی در «ایرفورت» آلمان، دانشمند معروف آلمانی بوده است که در ساحات مختلف علوم، چون فلسفه، «حقوق»، خصوصاً «حقوق دولت»، «جامعه‌شناسی»، «اقتصاد ملی و اجتماعی» و «اقتصاد سیاسی»، آثار ارزشمندی را الی تاریخ وفاتش در ۱۴ «جون» ۱۹۲۰ (محل وفات: «مونشن») از خود به جا گذاشته است. او را در جمله یکی از دانشمندان «ادبیات باستانی» و یا دانشمند علوم «قدیمه»، در ساحه «جامعه‌شناسی» و تمام ساحه «کلتور» و علوم اجتماعی» محسوب می‌نمایند.

مفاهیم و تعاریف او در همه ساحات، به خصوص در ساحه «دولت» و حاکمیت ملی، از وضاحت برجسته برخوردار بوده، در رابطه با ساحات مشخص اجتماعی، من جمله در موضوعات به اصطلاح علوم خاص اجتماع، چون «اقتصاد»، حاکمیت و مذهب- اجتماعی، نیز شهرت کسب نموده است. به عبارت دیگر «اقتصاد اجتماعی»، «حاکمیت اجتماعی» و «مذهب اجتماعی».

اصطلاح «مشروعیت» (legitimacy) را در ریشه لاتینی آن «لیگیتیموس» (legitimus)، به مفهومی است که در مطابقت به قانون قرار داشته باشد. در جامعه‌شناسی، علم سیاست و حقوق دولت، به معنی شایستگی رسمیت داشتن و یا حقوقی (قانونی) بودن شخص، مؤسسات، مقررات و غیره محسوب می‌گردد. وقتی چنین حالت صدق نماید، آنرا «مشروع» (legitim) می‌نامند. مفهوم نفی آن به معنی «غیر مشروع» می‌شمارند.

مؤلف «یوهانس وینکلمن» (Johannes Winckelmann) (۱۹۵۲) در کتاب خود تحت همین عنوان ارزیابی خود را از آثار تحقیقاتی «مکس ویبر»، به نشر سپرده است. متون علمی و فلسفی این کتاب نسبتاً ثقیل بوده، تلاش

می‌نمایم تا مفاهیم و تعاریفی را که در روشنی انداختن به این دو کلمه کمک نماید، هم خود آن را مطالعه نمایم و هم به خوانندگان محترم، تا حد ممکن به زبان ساده تر تقدیم دارم.

«مکس ویر» را یک شخصیت انسانی سیاسی و مدنی می‌شناخته‌اند، در صف دانشمندانی شمرده می‌شود که می‌خواسته است، علم شناخت (تجربی و آزمایشی) جهان را از «موضعگیری عملی» (معیاری) و اصولی جدا بدارد. از جهت انسانی، «یوهانس وینکلمن» می‌نویسد که، برای «مکس ویر» سؤال «سقراط»، وقتی در برابر مسائل اجتماعی برخورد، گفته بود: «چه باید کنیم؟»، به حیث سرمشق و رهنما شمرده می‌شده است.

در دیدگاه «مکس ویر» همواره «... علم معاملات و سلوک انسانی، اهمیت فوق العاده داشته است...» و مکرراً به آن توجه می‌نموده است. («یوهانس وینکلمن»، ۹۵۲، ص ۶). در جوامع پیشرفته که در آنها سیستم‌های حقوقی و قانونی و نظام‌های اقتصادی متمرکز خود را تثبیت نموده‌اند و در چوکات یک فرهنگ غنی و خلاق از نیروی محرکه و «دینامیزم» مشهود برخوردار اند و بر مبنای آن حیات سعادت‌مند را برای میلیون‌ها انسان ممکن ساخته‌اند، در سیستم‌های سیاسی – حقوقی آنها علاوه از آن که سطح عالی همبستگی بین اتباع و شهروندان محسوس است، نظام‌های دولتی مربوطه آنها نیز از اعتماد مردم با متکای نیرومند اجتماعی برخوردار اند. چنین ثبات و موجودیت سیستم قضائی مستقل، جلو هرگونه خود سری و زور گوئی را سد می‌گردد. سیستم‌های مختلف اعم از اقتصادی، امنیتی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و غیره به نحوی از انحاء، تحت کنترل سیستم قضائی که تحقق قوانین را در عمل ممکن می‌سازد، قرار دارد.

در همچو جوامع، مردم آن ضرب المثل‌های بی‌شمار و تکیه کلام‌های رهنمودی فراوان به زبان می‌آورند. هر تبعه می‌داند که «حق داشتن» یا «مستحق بودن» و «حق حاصل نمودن» و یا «حق به دست آوردن» پدیده‌های متفاوت اند. معادل این کلمات را بعضاً طور دیگری ارائه می‌دارند: «حق داده نمی‌شود، بلکه گرفته می‌شود». در اینجا ست که مرز غیر دقیق می‌تواند، پدیدار گردد. یعنی در «گرفتن حق»، بدون اساسات قانونی و بدون موجودیت سیستم قضائی مستقل و بدون حاکمیت با ثبات مشروع به رسمیت شناخته شده از جانب اتباع کشور در یک قلمرو، احتمال بروز «نزاع» بیشتر دیده می‌شود، ممکن است کسی، حق دیگران را هم سلب نماید. به همین علت است، که در تحت مفهوم «دفاع از حقوق» فضای مجادله و «نزاع» به حیث یک عامل می‌تواند ایجاد گردد، که به جای تطبیق «عدالت» و «رسیدن حق به حقدار»، «سلب حق از حقدار» و مسأله عدم توازن در قوت و در نتیجه مناسبات «ظالم و مظلوم» به وجود آید، تشنجات دوامدار یکی پی دیگر، پدید آید. به جای مفاهمه و توافق بر اصول و معیارها، برای ایجاد نظم با ثبات اجتماعی، خلاف آن تلاش در جهت برقراری مناسبات نا مطلوب صورت گیرد، جست و جوی راه‌های مقابله و صفبندی بین گروپهای اجتماعی برقرار گردد.

علماء، نظیر «مکس ویر»، مشروعیت را به مثابه اساس حاکمیت می‌دانند. همچنان همین مشروعیت را علمای این بخش به حیث خواسته و تقاضای علم اجتماع شناخته‌اند. «یوهانس وینکلمن» می‌نویسد: «جنون آمیز بوده می‌توانست، هرگاه مفهوم مشروعیت «مکس ویر»، صرفاً یا در قدم اول تنها به حیث حق طبیعی و بدین ترتیب در عین زمان در تحت زاویه دید، نظر مخالف و یا متضاد حق طبیعی («برتری در صدق») – حق منطقی اساسنامه (به مفهوم «حق مثبت») تفهیم می‌گردید. بیشتر می‌توان بر حسب نظر وی در زمره «صدق مشروعیت»، تنها با نظر داشت ساختارهای حاکمیت از نزدیک، انسان نمی‌خواهد خود را با خطرات غلط فهمی مقابل سازد. (ص ۲۵) همین مؤلف، مطالعه کننده آثار «مکس ویر» تذکر می‌دهد که: «در مرکز تحلیل تجربی و آزمایشی حاکمیت، برای او (بر مبنای «فکت» مستحق این پیروزی است)، بر یک نوع عقیده بر مشروعیت، به مثابه اساس حاکمیت استوار

می باشد، این مناسبات را تحت عنوان سه نوع حاکمیت مشروع ارائه می دارد.» همین مطالعه کننده می نویسد که «مکس ویبر» مکرراً در جریان مطالعات خود، روی این اصول بر می گشته است، می توان با اطمینان پذیرفت، که دید او در نوعیت ساختار ها، در تحت کشفیات علمی او محسوب می گردد. (همانجا)

نویسنده کتاب ادامه داده می نویسد: نباید از نظر دور داشت که «مکس ویبر» در تحلیل ساختار حاکمیت در تمام بخش تجربی، از انسان اجتماعی عمل کننده یا شامل معامله آغاز می نموده است و به توضیحات متمرکز به درک و احساس و در سلوک و رفتار، با جهتگیری مفاهیم علوم اجتماعی پذیرفته، که چنین و چنان، نه بر حسب تعصب و نه بر شیوه محترمانه قابل قبول بوده می تواند.

جامعه شناسی قابل فهم را، به مثابه علم تجربی و آزمایشی، بر تجربه و معامله انسانی (اجتماعی) انکشاف داده و در جهت اهداف شناخت، به حیث یکنوعی از «تیپ شناسی» یا نوع شناسی، توضیح مفهوم قابل فهم را از سلوک انسانی (اجتماعی) به کار می برد. این همه را در صورتی پذیرفته است، که همین تمرکز به مفهوم حاصله از تجربه کننده و سهیم در معامله، در نظر گرفته و فهما ساخته است، نه براساس تعصب و به طور «دگماتیک»، یک امر «درست»، یا به طور عینی معتبر و یا بر شیوه احتکاری به آن، به حیث یک مفهوم «حقیقی» تحقیق گردد.

در بخش دوم این مبحث، «یوهانس وینکلن»، روی نوعیت معامله با مفهوم، انواع نظم مشروع و انواع اساسات حاکمیت مشروع، را که در فوق از سه نوع نام برده است، تحت مطالعه قرار می دهد. می خواهم فقط قسمت های مختصری از آن را، بازگو نمایم.

«تعقیب جداگانه انواع ساختار حاکمیت و درک یک یک از اساسات مشخص مشروع آن، به معنی آنست، که «کنگوری» «حاکمیت» را مقدم بر همه، یعنی سلوک تأسیس دهنده و متمرکز به مفهوم معقول اجتماعی، جست و جو نمود.»

نقطه آغاز درک «حاکمیت مشروع» را از دید مؤلف چهار نوع از «معامله اجتماعی» تشکیل می دهد:

۱. منطقی بودن هدف، ۲. منطقی بودن ارزش، ۳. مؤثریت و نتایج به خصوص احساسات ۴. عنعنات و رسوم که به عادت مبدل گردیده اند. (ص، ۲۷-۲۸)

به ادامه تعقیب و توضیح نتایج کار تحقیقاتی (تجربی) «مکس ویبر»، «یوهانس وینکلن» می نویسد که بر اساس «نوع شناسی» در برخورد و معامله اجتماعی، «مکس ویبر»، متکی بر افکار نوع اعتبار مشروعیت تجربی، نظم اجتماعی را انکشاف داده است. بر یک نظام می تواند از جانب انسان های عمل کننده، از درون اتفاق اجتماعی، «مهر اعتبار مشروعیت زده شود»:

۱. نیروی متکی بر عنعنه: عقیده بر اعتبار و ارزش آنچه که همیشه بوده است؛
 ۲. نیروی عقیده بر مؤثریت (خاصاً: احساسات). اعتبار بر کشفیات نو و الهامات نو و یا سرمشق ها.
 ۳. نیروی عقیده بر ارزش های منطقی: اعتبار و صدق نمودن مطلق پدیده های جدید.
 ۴. نیروی منطقی اساسنامه، که بر قانونیت آن باور صورت می گیرد، طوری که در امر این قانونیت، سهامداران به حیث مشروع شناخته می شوند: الف) یا دارای (حاکمیت و آزادی) توافقات و یا ب) قرار گرفتن در تحت یک امریه و مقرر از جانب یک حاکمیت قابل اعتبار، باشند.
- آنچه «مکس ویبر» از «قانونیت» می داند، به طور خلص، اساسات معتبر حاکمیت در نیروی قانونیت نهفته است، که اعتقاد بر (تعقل) اعتبار اساسنامه قانونی است. از طرز دید حقوق دانان، که قوانین جز اساسات توافقات را تشکیل می دهند، قدمی است اولی که در یک جهت، ضروری بوده، صدق می کند و رشته های پیوند افراد و اجتماع را

تنظیم می نماید. ولی این را هم می دانند که یک قانون تا قانون دیگر تفاوت می داشته باشد. حقوق دانان تکیه کلامی را ذکر نموده می گویند، هر عمل «قانونی»، حتماً «درست» نمی باشد، به همین علت است، که در جوامع استوار بر سیستم های حقوقی، قوانین تصحیح می گردند، تا شود نواقص و خلا های احتمالی استفاده سوء از قانون به تدریج جلوگیری شده بتواند.

پایان

۲۰۱۲/۰۶/۲۱